



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۴/۱۸

یونس نگاه

## تزویرهای رهبران طالب

(هرچه از غرب به ما رسیده خوب و آنچه به مردم رسیده زشت است)

آیا دالر، لندکروزر، میز و فرنیچر مجلل، قصرهای آباد شده با پول غربی‌ها و متحدان غرب، وزارت خانه‌ها و ریاست‌های حاصل از دولتی‌مدن بیشتر غربی‌اند یا مکتب رفتن، انتقاد از حاکم و اعتراض در برابر حاکم؟ کسانی که امروز صدای مردم را خاموش کرده و به بهانه مبارزه با فساد و نفوذ فرهنگی بیگانه کوچکترین دریچه‌های آزادی را به روی آنان بسته‌اند، خود بر آشکارترین میراث‌های مالی، دولتی و اداری غرب چمبر زده لذت می‌برند. آنان نشانه‌های پاک، ظرافت، خوشی و لذت را در مردم به بهانه «اصلاح» سرکوب می‌کنند. به‌تازگی استفاده از نکتایی را در مکاتب و پوهنتون‌ها ممنوع کرده‌اند؛ اما نیروهای این گروه لباس‌های اردوی ملی را که شیوه یونیفورم‌های غربی است و با کمک‌های خارجی و مواد تولید شده در فابریکه‌های غربی ساخته شده است، می‌پوشند و تفنگ‌ها و تانک‌های شان را تصاحب کرده‌اند. تناقض در برخورد طالبان در آنچه برای خود می‌خواهند و آنچه به مردم تعلق دارد، هر روز بیشتر می‌شود.

در نیمه دوم ماه آگست ۲۰۲۱ مردم از حضور مجدد طالبان بر اریکه قدرت شوکه شده بودند و تصاویری از حضور رهبران و جنگ‌جویان آنان را که در حال تسخیر ادارات و کوچه‌ها بودند، دست‌به‌دست می‌کردند تا ببینند که آیا این گروه همان است که دو دهه قبل از قدرت کنار زده شده بود یا در این مدت تغییر کرده است. در این تصاویر، دو ظاهر عمده از طالبان دیده می‌شد؛ یکی، آن عده از بزرگان طالب که در جریان مذاکرات دوحه بارها در رسانه‌ها ظاهر شده بودند و لباس سفید، واسکت سیاه، دستار سیاه یا ابلق و چپلی یا بوت نو می‌پوشیدند و بیشترشان آفتاب‌نندیده و چاق بودند. اینان وقتی به کابل برگشتند، نیز دور دسترخوان‌های رنگین نشستند، موترهای سنگین و شیشه‌سیاه سوار شدند و پشت میز رهبری ادارات تکیه زدند. اینان را مردم به خاطر ظاهر و رفتار اشرافی‌شان نقد می‌کردند. بارها دسترخوان‌های وسیع و رنگین این عده از طالبان زبان‌زد مردم شد. گروه دیگر طالبان، آنانی بودند که با موهای ژولیده، چهره‌های تکیده و چشمان متحیر وارد شهرها شده بودند. اینان مثل رهبری گروه طالب یونیفورم نداشتند و گاه پیراهن‌ها و واسکت‌هایی با رنگ و دوخت عجیب می‌پوشیدند که به چشم اکثریت مردم ناآشنا بود. تفاوت‌ها حکایت از آن داشت که طالبان نیز با وجود شعارهای مذهبی و سنتی‌ای که سر می‌دهند و ادعاهایی که در مبارزه با فساد، مادی‌گرایی و تجمل در تبلیغات‌شان موج می‌زند، یک گروه نظامی - سیاسی است که هدف غایی‌اش قدرت و ثروت می‌باشد.

طالبان در این مدت به بهانه جلوگیری از تهاجم فرهنگی و احیای سنت‌های اسلامی و فرهنگ افغانی، محدودیت‌های بسیار را بر مردم وضع کردند. پوهنتون‌ها، مکاتب، رسانه‌ها و زنان بیش از همه مورد غضب قرار گرفته و طالبان زیر نام اصلاح، محدودیت‌های فراوان را بر آن‌ها وضع کرده‌اند. وزیر تحصیلات طالبان بارها از بی‌ارزش بودن اسناد دانشگاهی سخن گفته است. مکاتب متوسطه به روی دختران بسته است، صنف‌های فاکولته علی‌رغم کمبود منابع، تفکیک جنسیتی شده، گشت‌وگذار زنان محدود گردیده است و رسانه‌ها از نشر برنامه‌های تفریحی منع شده‌اند. اما تمام داری‌ها، املاک، سیستم و تسلیحاتی که از حکومت پیشین و خارجی‌ها باقی مانده و طالبان می‌توانند با اتکا به آن‌ها قدرت خود را تضمین کنند، نه تنها مثل آزادی، تحصیل و کار مردم تکفیر نگردیده، بلکه طالبان از دستیابی به آن‌ها به خود می‌بالند و همچون داری‌های فردی و گروهی به‌نمایش می‌گذارند.

این تناقض و چوتاری در سیاست امر غریب نیست. اما در جایی که سیاست‌مداران پشت دین پنهان نشده و راه انتقاد، گفت‌وگو و اعتراض باز باشد، امکان اصلاح به مردم امید می‌دهد. در وضعیت فعلی، طالبان با چماق دین سکوت را بر مردم تحمیل کرده‌اند. این سکوت فریبنده است و به قدرتمندان اعتماد به نفس و حس کنترل بر اوضاع را می‌دهد. سکوت مردم اما ناشی از قناعت و تسلیمی نیست؛ بلکه حاصل ترس و تردید است. مردم از شنیدن فرمان‌هایی که آزادی آنان را محدود می‌کند و عرصه کار و تحصیل را به‌رویشان می‌بندد، از زبان کسانی که در ظاهر حافظ دین «مبین» می‌نمایند، دچار تردید می‌شوند و از خود می‌پرسند که آیا راستی دینی که به آن باور داریم، قرباتی با فرامین طالبانی دارد یا خیر؟ آیا ما تاکنون دچار خطا بوده‌ایم یا اکنون فریب خورده‌ایم؟ وجود چنین

د پائو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

تردیدی در ذهن مردمی که چند نسل با روایت‌های جهادی بزرگ شده‌اند، به سیاست‌بازان فرصت می‌دهد تا دام‌های تازه بگذارند؛ اما برای ابد دوام نمی‌آورند. مردم اعمال حاکمان را معیار قرار می‌دهند و به فریب‌ها پی می‌برند. ترسی که با قمچین، زندان، حذف فیزیکی و اعمال انواع فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بر مردم وارد می‌گردد، نیز آنان را هرچند وادار به سکوت می‌کند؛ ولی برای مدت طولانی دوام نمی‌آورد. مردم به جان رسیده در برابر زنجیرهای ناتمامی که بر جان و تن شان تنیده می‌شود، سکوت را خواهند شکست.

سکوت بارها شکسته است. در واقع تاریخ ما پر از غوغا و عصیان است. بارها مردم فرصت یافته‌اند تا علیه استبداد برآشوبند. اما در تاریخ معاصر افغانستان گویا چرخه‌ای حاکم شده است که بار بار مردم را به نقطه صفری برمی‌گرداند. محور این چرخه ارتجاعی، اسلام سیاسی است. مردم هنوز نتوانسته‌اند حساب خود را با اسلام سیاسی تسویه کنند. مردم هنوز نتوانسته‌اند به اهمیت تفکیک سیاست و عبادت پی ببرند و دلالتان مذهبی از این کمبود همواره بهره گرفته‌اند.

این بار اما حضور طالبان عریان‌تر است و به برکت رسانه‌ها، مقایسه تناقض‌ها در رفتار و سیاست‌های طالبان به طور وسیع و روشنی‌بخش میسر است. امید می‌رود که مردم از این وضعیت دشوار برای ساختن حکومت مردمی و دموکراتیک توشه‌های تاریخی و فکری ارزشمند بردارند تا دیگر زمینه اعمال محدودیت‌های قرون‌وسطایی بر مردم «مومن» افغانستان، از سوی دلالتان جنگ و سیاست مهیا نشود.